



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه اول جنوری ۲۰۲۴

حمید انوری

کورس اخبار

درس یازم

"استاد سخن": محمد آصف فقیری

شاگرد غبی "خودم

در این آغاز سال جدید عیسوی، میروم به سراغ تازه ترین "کارخانگی" استاد معظم و لازم به تذکر مکرر میدانم که "استاد سخن" با سرعت نور در حرکت اند و این شاگرد غبی در تقابل با جناب ایشان حتی از رفتار یک حلزون هم برخوردار نیستم، آخر "استاد" گفته اند و شاگرد، "دانشمند" گفته اند و نادان، "فیلسوف دوران" گفته اند و کند ذهن غبی، "عالم دین" گفته اند و از دین بی خبری. و اما این شاگرد غبی طبق وعده قبلی تلاش خواهم کرد تا تازه ترین "کارخانگی" خود را به زودترین فرصت انجام داده و بعدهم بادر نظر داشت فرصت و وقت و زمان، سراغ "کارخانگی" های قبلی بروم، تا مبادا مورد قهر و غضب "استاد معظم" قرار گرفته و به چهار کتاب کافر و ناکام مطلق قلمداد نگردیده و همان صنف چهارم ابتدائی را هم یک سال دیگر تکرار کنم و سبب هدر دادن وقت گرانبهای علاقه مندان این دروس اجباری گردم.

باری یک پارچه شعر با معنی و با مسمی را در جائی خوانده بودم در مورد سال نو که آنرا به مناسبت سال نو عیسوی اینجا می آورم:

در حیرتم از این همه تعجیل شما

از این همه صبر و طول و تفصیل شما

ما خیر ندیده ایم از سال قدیم

این سال جدید نیز تحویل شما

و اما این شاگرد غبی چون دل پر خون از "استاد سخن" دارم، به اجازه شاعر اندک تصرفی در آن می نمایم به این امید که شاعر گرامی بر این کمترین ببخشایند که از حد و حدود خود فراتر میروم.

در حیرتم از این همه تعجیل شما
از این همه صبر و طول و تفصیل شما
ما خیر ندیده ایم از "درس" قدیم
این "درس" جدید نیز تحویل شما

و اینهم درس جدید و "کارخانگی" جدید، در سال جدید:

قابل تذکر میدانم که "استاد سخن" با همان سرعت بالاتر از سرعت نور، "دروس" سیاسی- فلسفی و دینی- مذهبی شانرا به چندین سایت مختلف همزمان ارسال میدارند تا تعداد بیشتر شاگردان از آنها همزمان مستفید گردند که البته من فقط یکی دو سایت آنرا بلد هستم، این شاگرد غبی اما فقط با همان سایت "فخیم" (افغان- جرمن آنلاین) بیشتر خو گرفته ام و از مسؤلین آن اظهار سپاس میکنم که "کارخانگی" های این شاگرد غبی را انجام نمی دهند و در نتیجه من هر بار اغلاط عدیده املائی- انشائی و گرامری و... خود را اصلاح نموده و دعای خیری بدرقه راه آن عزیزان می نمایم. اما علاقه مندان این دروس متذکر شده اند که این "دروس" روزمره، در چندین مکتب ابتدائی دیگر نیز در خدمت شاگردان قرار داده می شوند که البته مورد علاقه من نیستند و اگر من سراغ هریک بروم، "کارخانگی" های من عقب می افتند و "استاد سخن" بر من سخت خواهند گرفت و همان سه و نیم (۳,۵) نمره را هم از من دریغ خواهند ورزید و من نمی دانم که سایت های متعدد دیگر هم به همین منوال پیش میروند و یا روش دیگری دارند.

مقاله یازدهم- درس یازدهم

۲۰۲۳/۳۰/۱۲

[محمد آصف فقیری]

تقابل عقل و نقل در چیست؟

جا داشت "استاد سخن"، قبل از انتخاب عنوان فوق، تعریف مشخصی از "عقل" و "نقل" پیشکش میکردند.

عقل یا خرد قوه ادراکی است که با آن می توان به طور خودآگاهانه معنی ها را درک کرد. (ویکی پدیا)
نقل: حالتی است که از انتقال لفظ از معنی اصلی خود به معنی دیگری پدید می آید، مانند: لفظ «صلاة» که معنی لغوی آن «دعا» است و در زمان شارع، در ارکان مخصوص (نماز) استعمال شده است؛ یعنی از معنی لغوی خود به معنی شرعی نقل شده است. (ویکی فقه)

عقل با وحی الهی تقابل ندارد که مکمل و تکمیل کننده عقلست ...! (کاش "استاد" تذکر می دادند که کی چنین ادعائی کرده است. از جانب دیگر نظر به طرز نوشته "استادسخن" که عقل را اول آورده اند و وحی را دوم، پس می توان نتیجه گرفت که "عقل" تکمیل کننده عقل است.)

شرح مطلب: اول عقل محض یا جوهر را، با آگاهی فرق کنیم، آگاهی آنچه توسط حواس دریافت می کنیم و عقل جوهریست میتافزیک از عالم امر، (!؟) پس عقل در عالم دنیا یا فزیک توانایی مدیریت منابع دنیا و نظم را دارد مانند کشورهای سکولار... (این به آن معنی تواند بود که کشور های غیر سکولار، با تمام نفوس و علم و فهم و درایت و عقل و شعور شان، توانایی مدیریت منابع دنیا و نظم را ندارند) همه برای اینکه وحی را بهتر بدانیم، هستی و ممکنات که این دنیا جز آنست در برابر کرسی الله مانند یک خرما یا یک انگشتی در تفاسیر معتبر بیان شده، پس وحی الهی جایگاه بسیار متعالی دارد تا بیاید برای ما اختراع موبایل و طیاره و غیره موارد در فزیک کند (!؟) ...اینکه عقل در برابر عقل کل یا جوهر خدایی ناتوان بوده و یا عقیم است، خود الله رحمت می کند و کلامش به یاری این ناتوانی عقل می رسد که صاحب عقل را کامل سازد. یعنی در ارزش معنی و مبانی تقابل بین عقل و وحی نیست (!؟) .

البته بینش (بینش - اشتباه تایی) و آگاهی هرکس با عقل محض فرق دارد. اما وحی که در تفاسیر قرآن بل قرآن و حدیث و مفسرین (ارایه (ارائه) می شود و از اینجاست که مشالنت (مشکلات - اشتباه تایی) امروزی ما هم حل می گردد. این را جز سیر تکامل عقل و وحی دانست (سیر تکامل عقل را میتوان درک نمود، اما سیر تکامل وحی دانسته نشد)، آنچه مال با مجموعه (مجموعه) نقل، الخصوص در سیاست آفتابی می شود، به جز عقب ماندگی و دین زدگی چون قرون وسطا (وسطی) حاصلی ندارد. دین از سیاست جدانیست، مال که دین گفته نمی شود... یعنی نقل یا اقوال گذشته و همینطور یافته های ما امروز از قرآن برای نسل آینده و این تسلسل مفهومی برمیگردد به جوانان که تحقیق و پژوهش را اولیت توسعه شان قرار دهد. (!؟) (اگر این مکتب است و این "استاد"، حال "شاگردان" خراب می بینم- این راه که "استاد" میرود به ترکستان است) مگر اینکه نقل در فقدان عقلانیت در وجود سلب عقل کند در این وضعیت فرد، البته حکمت دین منظور نیست، بل فرد با مجموعه (مجموعه) نقل های که دارد مانند رباط (ربات) از انسان ها استفاده های باوری و منفعتی خود را می کند.

بطور مثال: در قرون وسطا (وسطی) که عقلگرایی سرکوب می شد و مقدار یا اندازه (اندازه) مساحت جنت توسط پاپ ها به فروش می رسید، تا یک دانشمندی پیدا می شود و مطالبه خرید دوزخ می

کند. هرچند برای پاپ ها خیلی تعجب آور بود اما **زیادی** (بیشتر) مطالبه می کند که با هوش تمام حاضرست جنت نه ، بلکه دوزخ را بخرد و تمامی مساحت دوزخ را به **آساس** (اساس) نقل که در دست پاپ ها بود میخرد و بعد آن به مردم این **چینی** (چنین) ابلاغ می کند: من صاحب دوزخ و تمامی دوزخ پس من **نمیگذارم** (نمیگذارم) شما در روز قیامت، دوزخ **بیاید** (بیائید). که حالا ضرورت نیست دیگر جنت بخريد ، زیرا عرف تا آن زمان قسمی بود که فرد همه عمر کار کند و حاصل تمامی زحمات خود را به پاپ دهد تا جنتی برای روز آمدنی داشته باشد. (افسانه ها خرافی) همینطور اذهان بدوی **افغانستان** (افغانستان) دین را در افکار شان در وجود مال خلاصه کرده اند و هر نقل را **بیدون** (بدون) تحلیل و تفکر می **پذیر اند** (پذیرند). (جناب "استاد سخن" چگونه توقع دارند تا با چنان یک "تحلیل عالمانه"، نقل فوق شانرا بدون تحلیل و تفکر بپذیرند؟!) البته عقاید و **نحوه** (نحوه) عبادات قطعی است، نوآوری در آن جایز نیست که در بین شش ماه تا یک سال تمامی مسایل عقاید را یا فقه اکبر أبو منتهی و الهدایه فقه عبادات را در فقه حنفی می توانید خودتان بخوانید و آگاه شوید و استقلال عقل تان را در **امور** (امور) دنیایی و سیر تفکر معنی یا عرفان بخودی خود داشته باشید، و ضرورت علمی دینی به مال نداشته باشید، زیرا هستی امروز شما و بلوغ سیاسی تان همین که: **بخود آگاهی** (آگاهی - اشتباه تایی) از هستی خود رسید و به **آزاده** (آزاده) فاقد عقل، سرنوشت تانرا به عده ای یا کسی نسپارید. از ۱۹۹۲ تا کنون وضعیت **افغانستان** (افغانستان) بطور نزدیک به مطلق، در تطبیق به **دوره** (دوره) تاریک **اورپا** (اروپا - اشتباه تایی) یا قرون **وسطا** (وسطی) بوده و قرون **وسطا** (وسطی) که از منبع فیاض عقلگرایی قرآن نیز مستفید می شوند و گام نخست شان تطبیق حالت دینی شان با دین جدید محمد عربی بود، که تطبیق خاصیت عقلگراییانه است و این تطبیق محرکه می شود بسوی عقلانیت از قرون **وسطا** (وسطی) **اورپا** (اروپا) به **دوره** (دوره) **جدیدی** (جدید) یا رنسانس یا **روشنگرایی** (روشنگرایی)... ، پس این سرشت ذاتی انسان که سود جو، مکار و حيله گر می باشد به منافع خصوصی خودش، که این چنین سرشت های درونی انسان ربط به متون مقدس دینی و ایده **عقلی فلسفی ندارد** [

(از جهت دیگر می توان چنین برداشت نمود که خداوند انسانها را "سودجو، مکار و حيله گر"، خلق نموده است و این خود در عادل بودن خداوند شک داشتن را میرساند، "استاد معظم" اندکی دقت بفرمائید که چه مینویسید. از روی لطف جوانان ما را به کجراهه رهنمون نشوید.)

این مختصر که در روز اول سال جدید عیسوی به جوانان عزیز ما پیشکش می شود، امید است آنان را تا یک اندازه از کج بحثی، سفسطه گوئی و "فلسفه" بافی های مغلق و پیچ در پیچ و نامفهوم "استاد

سخن"، بدر آورده بتواند و امید است در سال جدید "کارخانگی" های این شاگرد غبی هم اندکی تقلیل یابد و فرصت سرخاریدنی مهیا گردد.

در اخیر هم باید علاوه نمود اینکه این شاگرد غبی و مکتب گریز که حتی یک روز در هفته هم بدون "کارخانگی" نیستم و "استاد سخن" یک "کارخانگی" را انجام نداده، یکی دیگر بارم میکنند، ارتباط "عقل" و "نقل" و "وحی" را در درس استاد دانسته نشدم. نکند که استاد به همین سرعت که پیش میروند، فردا دعوی "خدائی" کنند و ما را در یک عمل انجام شده قرار دهند، ورنه "عقل" و "نقل" در کجا و "وحی" در کجا. ما در کجا و "استاد سخن" در کجا.
بگفته سعدی شیرازی:

"ما کجائیم در این بحر تفکر، تو کجا"

درس روزم به زوی...